

تبیین جایگاه معنویت در چالش‌های محیط‌زیستی: بازخوانی رویکردهای توسعه پایدار با تفکر سه‌گانه

*سیده فاطمه معزی^۱، منصور شاه ولی^۲، راضیه نامدار^۳

۱. دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

۲. استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

۳. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

(دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۶)

Explanation of Spirituality in Environmental Challenges: The Reflection of Sustainable Development Approaches with Tripple Thinking

*Seyedeh Fatemeh Moezzi¹, Mansoor Shahvali², Razieh Namdar³

1. Ph.D. Student of Agricultural Education of Shiraz University, Shiraz, Iran.

2. Professor of Agricultural Extension and Education of Shiraz University, Shiraz, Iran.

3. Assistant Professor, of Agricultural Extension and Education of Shiraz University, Shiraz, Iran

(Received: 2018.04.28 Accepted: 2018.10.07)

Abstract:

Environmental crises are one of the major challenges that the human community is facing. This study was conducted in response to the existence of environmental crises in spite of the establishment of related institutions and the comprehension of related concepts to sustainable development, and the evolution of the status of the environment and the way in which human beings interact with it in Islamic thought. The purpose of this study, which has been accomplished using a descriptive method of documentary analysis, is to explain, analyze and compare the three stages of logical, critical and philosophical thinking of sustainable development. Criticism and analysis of existing perspectives indicate that, in addition to significant advances in the world and the establishment of international treaties, conventions and symposia on sustainability are not intended to preserve the environment and human survival and have a merely technical and material look. So far, it has not responded to the issues of development and sustainability. Therefore, achieving long-term sustainability horizons and their dimensions requires a deeper perspective and beyond purely technical issues and secular science. This study suggests philosophical thinking that is based on Islamic ethics and philosophy and emphasizes the study of environmental crises with the simultaneous help of reason, mysticism, ethics, Qur'an and Shari'a.

Keywords: Sustainable Development, Environmental Crises, Logical Thinking, Critical Thinking, Philosophical Thinking.

چکیده:

بحران‌های محیط‌زیستی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که جامعه بشری با آنها مواجه است. این تحقیق در پاسخ به چرایی وجود بحران‌های محیط‌زیستی علی‌رغم تشکیل نهادهای مرتبط و فراگیر شدن مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار- و واکاوی جایگاه محیط‌زیست و چگونگی رابطه انسان با آن در اندیشه اسلامی انجام شده است. هدف این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی از نوع تحلیل اسنادی به انجام رسیده، تبیین، تحلیل و مقایسه سه گذرگاه تفکر منطقی، انتقادی و فلسفی توسعه پایدار است. نقد و تحلیل دیدگاه‌های موجود حاکی از آن است که علاوه بر پیشرفت‌های قابل ملاحظه در جهان و برپایی معاهدات بین‌المللی، کنوانسیون‌ها و سمپوزیوم‌ها در زمینه پایداری، در راستای حفظ محیط‌زیست و بقای انسان نبوده و نگاه صرف فنی و مادی، تاکنون پاسخگوی مسائل پیش روی توسعه و پایداری، نبوده است. لذا دستیابی به افق‌های بلندمدت پایداری و ابعاد آن، نیازمند چشم‌اندازی عمیق‌تر و فراتر از مسائل فنی محض و علم سکولار است. این مقاله تفکر فلسفی را که بر اخلاق و فلسفه اسلامی مبتنی است و بر مطالعه بحران‌های زیست‌محیطی با کمک هم‌زمان عقل، عرفان، اخلاق، قرآن و شریعت تأکید دارد، پیشنهاد می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، بحران محیط‌زیستی، تفکر منطقی، تفکر انتقادی، تفکر فلسفی.

*Corresponding Author: Seyedeh Fatemeh Moezzi

*نویسنده مسئول: سیده فاطمه معزی
E-mail: moezzi.sf@yahoo.com

مقدمه

اتمسفر جهان، ارتقای تولید پایدار مزارع، مبارزه با بیابان‌زایی و جنگل‌زدایی، حفاظت از اقیانوس‌ها، حفظ تنوع زیستی و حفاظت از منابع آبی است (Dehshiri, 2015). در حال حاضر بیش از ۸۰۰ قرارداد دو یا چندجانبه درباره محیط‌زیست و در پی آن توسعه پایدار وجود دارد که از زوایای مختلف، به جوانب آن پرداخته‌اند (Farahani Fard, 2010).

با اذعان بسیاری از متفکران مبنی بر ناشی شدن بحران‌های پایداری از بحران‌های معنوی و اخلاقی، شناسایی ارزش‌ها و اصول فرهنگی مؤثر در پایداری محیط‌زیست و پی‌جویی راه‌های تعمیم معنویت، اخلاق و ارزش‌ها و فرهنگ جامعه امری است که سامانه‌های آموزشی باید به آنها توجه خاص مبذول دارند. این ضرورت به‌گونه‌ای است که توجه به «بوم» از موضوعات اصلی توسعه پایدار است (Nagizadeh, 2003). همچنین درک فلسفی از زیربنای فکری این موضوع می‌تواند در ارائه راهکارهای عملی رفع از این مشکل مؤثر باشد، به همین دلیل، ملاحظه می‌شود که علاوه بر اقتصاددانان و دانشمندان محیط‌زیستی که مسائل پایداری را رصد کرده و درصدد ارائه طریق می‌باشند، فیلسوفان اخلاق و علمای ادیان نیز به این مهم پرداخته‌اند (Farahani Fard, 2010).

اگرچه نگرش‌ها تا اواخر قرن بیستم بر توصیه‌های فنی به‌منظور حفظ تعادل در طبیعت متمرکز بوده تا از طریق به‌کارگیری هر چه کمتر نهاده‌ها در طبیعت محقق گردد که این خود یک خاستگاه پراگماتیسم دارد. در مقابل، نگرش پیش‌بینی‌شده آن است که بر پایداری برگرفته از دین و فلسفه در حفاظت از طبیعت تأکید دارد که این مهم می‌باید از انسان‌ها آغاز گردد زیرا انسان‌ها هستند که توصیه‌ها را بنابر باورها و ارزش‌های دینی خود موردتوجه قرار می‌دهند. به تلاش‌های انجام‌شده توسط برخی از دانشگاه‌های معتبر جهان نظیر باکتل و هاروارد در کشور ایالت متحده آمریکا نیز در همین زمینه می‌توان اشاره نمود که یک هزار محقق دانشگاهی پس از سه سال تلاش دریافتند که برای حفاظت از طبیعت می‌باید از دین کمک گرفت (Shahvali, 2013). بررسی‌های مبحث پایداری دهه آخر قرن بیستم نشان می‌دهد که از گذشته بسیار دور پایداری بر مبنای دستورات دینی بوده است که به‌مرور، به‌ویژه در قرن بیستم، به توصیه‌های فنی محدود گردیده است (Shahvali, 1996). اعتقاد بر این است که در دین اسلام، مبانی فلسفی و کلامی نظام اقتصادی به‌گونه‌ای طراحی شده است که پیشرفتی پایدار را برای نسل انسان به دنبال دارد. زیرا چنین پیشرفتی، محیط‌زیست انسانی را از بین نمی‌برد و در

دانش توسعه که با هدف بومی‌سازی نسخه‌های اقتصادی کلان به‌منظور ارتقای رفاه انسان، خصوصاً در کشورهای جهان سوم بنانهاده شد، با خصلت زیاده‌خواهی کشورهای توسعه‌یافته و نیز مشکلات ساختاری کشورهای درحال توسعه مواجه گردید. دولت‌ها می‌کوشیدند تا از منابع محیط‌زیستی موجود حداکثر بهره‌برداری را با عنوان بهره‌وری به عمل آورند ولی غارت منابع برای رسیدن به توسعه، به تدریج خود آفت توسعه شد. این حرکت پرشتاب مصرف منابع و سبقت در بهره‌برداری از منابع موجود در طبیعت، می‌رفت تا آینده تاریکی را برای این کره خاکی رقم زند، کره‌ای تهی، آلوده و غیرقابل زیست برای آیندگان. در چنین فضایی بود که بحث توسعه پایدار مطرح گردید. توسعه‌ای که ضمن برآورده ساختن نیازهای فعلی بشر در جوامع مختلف، هیچ‌گونه لطمه‌ای به ظرفیت‌های موردنیاز نسل‌های آینده وارد نیارد (Perman, 2003). توجه اساسی حافظان چنین توسعه‌ای بر حفظ محیط‌زیست و تحقق عدالت بین نسلی بود. به همین منظور، نشست‌های بین‌المللی متعدد مانند اجلاس ریو در این باره برگزار شد که حاصل آنها پیمان‌ها و قراردادهای بین‌المللی بود که در ادبیات توسعه پایدار ثبت شده است. از جمله می‌توان به نخستین کنفرانس سازمان ملل در این باره اشاره کرد که در استکهلم (۱۹۷۲) تشکیل گردید و از دستاوردهای آن، بیانیه محیط‌زیست انسانی است که نخستین بیانیه مشترک ۱۱۳ کشور پیرامون توجه و تعهد آنها به حفاظت از محیط‌زیست بود. برپای این کنفرانس، تأسیس نهادی به نام برنامه محیط‌زیست سازمان ملل^۱ را سبب شد (Farahani Fard, 2010).

همچنین در سال ۱۹۹۲ کنفرانس سازمان ملل در زمینه محیط‌زیست و توسعه^۲ (UNCED) در ریو توسعه پایدار را به‌عنوان پاسخی به بحران‌های محیط‌زیست و توسعه اعلام کرد. این کنفرانس، بحران محیط‌زیست را در صدر دستور کار بین‌المللی قرار داد و ارتباط محیط‌زیست با توسعه را در پارادایم جدید توسعه پایدار مطرح کرد. در سال ۱۹۹۲ اغلب حکومت‌های جهان دستور کار ۲۱ را در اجلاس سران زمین در ریودوژانیرو اتخاذ کردند (UNCED, 1992). اعلامیه ریو درباره محیط‌زیست و توسعه بیانگر نوعی توافق بین‌المللی موسوم، دستور کار ۲۱ بود که بر اهداف توسعه پایدار تمرکز می‌کرد. این اهداف شامل سعادت اقتصادی همگام با حفاظت از

1. UNEP (UN Environment program)

2. UN Commission on Environment and Development

توصیفی از نوع تحلیل اسنادی قرار داد. این پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسنادی است که عمدتاً شامل اطلاعات، یافته‌ها و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهشگران در حوزه مورد بحث فراهم گردیده‌اند. در این مقاله توسعه پایدار و چالش‌های پایداری از دیدگاه سه تفکر منطقی، انتقادی و فلسفی مورد بحث قرار گرفته و جنبه‌های سلبی و ثبوتی آن بررسی شده است.

یافته‌های پژوهش

الگوها یا مدل‌های توسعه برساخته‌هایی هستند برای دستیابی به اهداف غیرمعرفتی نظیر رشد اقتصادی، رفاه مادی، توسعه فرهنگی، تعالی معنوی، سلامت روحی و جسمی، شادی و آرامش خاطر، به این اعتبار همه الگوها یا مدل‌های توسعه در زمره فناوری‌ها هستند و بنابراین، الگوهای توسعه صرفاً برای آن دسته از کاربرانی معنا و تأثیر دارند که جنبه‌های مختلف آنها، در سپهر معنایی این کار تعریف شده باشند (Paya, 2009). بعد از جنگ جهانی، مسئله توسعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل به‌طور گسترده، در محافل نظری مختلف و برنامه‌ریزی کشورهای مطرح بوده (Movahedi, 2004) و بیشتر تعاریف‌های مربوط به توسعه پایدار از سوی اقتصاددانانی ارائه شد که توجهی به مسائل معنوی نداشته و پیشرفت جوامع را در گرو رشد اقتصادی می‌دانسته‌اند (Movahedi, 2004).

با توجه به علم‌گرایی، نگرش اتمیسم و تغییر ارزش‌گذاری در جامعه مدرن، اصالت به ماده داده شده و رفاه و امرار معاش انسان هدف غایی شناخته می‌شود. بنابراین در ذهن بشر حقی فراتر از گذشته برای انسان ایجاد می‌شود که تنها به خودش فکر می‌کند و به دنبال رشد منابع مالی و اقتصادی صرف می‌رود. این تمرکز و پیشرفت تکنولوژی و آلودگی‌های ناشی از آن و عدم توجه به مسائل و موضوعات دیگر موجب تخریب محیط‌زیست می‌گردد و بحران‌های محیط‌زیستی را به وجود می‌آورد. با توجه به این مشکلات جامعه بشری پیشنهادها و طرح‌های فراوانی جهت غلبه بر آلودگی‌های محیط‌زیستی ارائه می‌نماید. توسعه پایدار یکی از این رویکردها می‌باشد (Ghalandarian et al., 2016). (جدول ۱).

با حضور هیئت اعزامی از کشور سوئیس (۱۹۶۸) در سازمان ملل، توجه جامعه جهانی به اثرات نامطلوب توسعه جلب شد (Dirbaz & Dadgar, 2005). نخستین کنفرانس سازمان ملل در این باره در استکهلم (۱۹۷۲) تشکیل شد و از

استفاده از مواهب خداوند سهم نسل‌های آتی را در نظر می‌گیرد (Farahani Fard, 2010).

نگاه انحصارگرایانه تک‌بعدی به پایداری منجر شد که بررسی و تحلیل پایداری از امور قدسی و معنوی تهی شود و تنها از علوم تجربی به‌عنوان ابزاری برای تسخیر و بهره‌برداری فزون خواهانه از طبیعت و منابع طبیعی استفاده شود. نصر (۲۰۰۱) در یکی از مهم‌ترین آثار و در عین حال، یکی از علت‌های پیدایش جهان‌بینی در این باره معتقد است: «دنیاگرایی (سکولار) امروزی که در غرب به وجود آمده و در طول دو قرن گذشته به سایر نقاط عالم سرایت کرده است، همانا جدایی دانش و علم از امر قدسی و معنویت است» (Nasr, 2001). به این ترتیب، عالم تجدد از تمام شئون هستی و طبیعت، قداست زدایی کرده و این برخلاف الفبای خداشناسی است؛ زیرا «الفبای خداشناسی این است که او خدای همه عالم است و با همه اشیا نسبت متساوی دارد. همه اشیا بدون استثنا مظهر قدرت و علم و حکمت و اراده و مشیت اویند و آیت و حکایت کمال و جمال و جلال او می‌باشند» (Motahari, 1998). این قداست زدایی از عالم طبیعت به از بین رفتن ارزش ذاتی طبیعت منجر شد. به این ترتیب طبیعت و محیط‌زیست ارزشی ابزاری پیدا کرد و انسان فزون خواهانه با نگاهی مصرف‌گرایانه و استیلاطلبانه به تخریب محیط‌زیست پرداخته است (Taherpour et al., 2014).

البته با وجود اینکه مفهوم توسعه پایدار کاربرد زیادی یافت، ولی انتقاداتی را نیز به خود جلب کرد (Loomis, 2000) و به دلایل مختلف غیرقابل دستیابی تلقی گردید. برخی معتقدند، تلاش‌های مربوط به کمیسیون برونتلند^۱ لاجرم محکوم به فناست، زیرا رشد و پایداری ناسازگارند (Lele, 1991). محققان دیگر نیز ادعا می‌کنند که این مفهوم، صرفاً جدیدترین حمله متقابل ایدئولوژیک به سرمایه‌داری جهانی بوده (Escobar, 1995) و لذا مفهوم مبهم و بلااستفاده (Temple, 1992 & Youg, 1995) یا مفهوم ایده‌آلی است که در واقعیت قابل دستیابی نیست (Norgaard, 1994).

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از انواع تحقیقات کاربردی است و بر مبنای ماهیت و روش نیز این تحقیق را می‌توان در زمره تحقیقات

1. Brundtland Commission

دستاوردهای آن بیانیه مشترک ۱۱۳ کشور با موضوع محیط‌زیست انسانی است. اجلاس لاهه (۱۹۹۱) و اجلاس زمین در ریودوژانیرو (۱۹۹۲) با حضور نمایندگان ۱۷۶ کشور انجام شد. مهم‌ترین مصوبه اجلاس زمین «اعلامیه ریو» است (Farahani Fard, 2010).

جدول ۱. روند تغییر نگرش به انسان و به وجود آمدن بحران محیط‌زیست و شکل‌گیری توسعه پایدار (Ghalandarian et al., 2016)
Table1. The process of changing attitudes toward humans and creating a crisis of the environment and the formation of sustainable development (Ghalandarian et al., 2016)

ویژگی‌های جامعه مدرن Features of modern society	تغییر در نگرش‌ها Changing in Attitudes	تأثیر بر رفتار و ذهن Impact on behaviour and mind	تأثیر بر محیط‌زیست Impact on the environment	ارائه راه‌حل برای بحران Suggest Solutions to the crisis
علم‌گرایی Scientism اتمیسم Atomism جدایی انسان از طبیعت Human separation from nature تغییر ارزش‌ها The change of values	انسان مدرن اصالت را به ماده می‌دهد. رفاه و امرار معاش هدف غایی می‌شود.	حقی را در ذهن انسان به وجود می‌آورد که انسان در مرکزیت جهان است. به رشد تکنولوژی و اقتصادی تأکید می‌شود.	پیشرفت لجام‌گسیخته تکنولوژی تخریب محیط‌زیست و به وجود آمدن بحران‌های محیط‌زیستی	توسعه پایدار Sustainable Development نیکداری Stewardship حفاظت‌گرایی Conservationism صیانت‌گرایی Preservationism اخلاق زمین Land Ethic

جدول ۲. دسته‌بندی نظریات اندیشمندان درباره توسعه پایدار (Farahani Fard, 2010)
Table2. Categorization of ideas of thinkers about sustainable development (Farahani Fard, 2010)

فلسفه فکری	اندیشمند	توضیحات
اقتصادی Economic	رابرت سولو Robert Solo	توسعه و رشد یکسان است. تداوم رشد اقتصادی مهم است. به فرض هم اگر بخش مهمی از منابع محیط‌زیست در خلال فعالیت‌های اقتصادی تخریب شود؛ این موضوع خودبه‌خود موجب بحران نیست؛ مشروط بر اینکه درآمد حاصل از این منبع صرف پس‌انداز ملی شود و نه مصرف. پس‌انداز نیز برای پژوهش و سرمایه‌گذاری ظرفیت ایجاد نماید. این ظرفیت جدید جایگزین ظرفیت قبلی می‌شود؛ بنابراین لطمه‌ای به تداوم بین نسلی رشد درآمد وارد نمی‌شود.
	زاکس Sucks	توسعه پایدار مستلزم فرایند تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییرات نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.
اکولوژی افراطی Deep Ecology	دیوید پیرس David Pierce	توسعه پایدار، رشد پایدار بدون گسست یا حداقل عدم کاهش تولید سرانه، تولید ناخالص داخلی یا شاخص‌های دیگر موردقبول توسعه است.
	کلوب رم توسط دانشگاه MIT Club of Rome by MIT University	برای حفظ شرایط زیستی کره زمین باید رشد اقتصادی و رشد جمعیت هر چه زودتر متوقف شود.
اکولوژی معتدل Common Ecology	پرمن Perman	وضعیت پایدار وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم‌ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوک‌ها را در طول زمان فراهم کند.
	سامسون Samson	پایداری در توسعه پایدار به مسئله ظرفیت قابل تحمل کره زمین برمی‌گردد؛ فارغ از آنکه به مفاهیمی همچون نابرابری و عدالت اجتماعی توجه کند.

این است که توسعه پایدار کاملاً ناظر به عدالت بین نسلی است. در تعریف دیگری آمده است توسعه پایدار به‌عنوان اتحاد میان اصل عدالت بین معاصران و نسل حاضر و نسل‌های آینده در نظر گرفته می‌شود (Barrett, 1996). بر این اساس لازم

آنچه از ابتدا در تمامی تعاریف توسعه پایدار مشترک بوده و کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه^۱ نیز به آن توجه نمود.

1. World Commission on Environment and Development

نادیده گرفته می‌شود. حتی حفظ طبیعت و نگهداری آن به این دلیل اهمیت دارد که طبیعت بستری برای توسعه جوامع و پیشرفت اقتصادی و رشد علوم است. در جدول ۳ رویکرد توسعه پایدار نسبت به انسان، محیط‌زیست و رابطه میان این دو آورده شده است (Ghalandarian et al., 2016).

است تابعی از فلسفه فکری و نحوه تفکر برنامه ریزان و سیاست‌گذاران در زمینه توسعه پایدار ارائه شود (جدول ۲). بنابراین تلقی صاحب‌نظران توسعه پایدار از انسان همان انسان دوره رنسانس است و طبیعت را نیز به‌مثابه حقیقتی خودجوش - که تنها از کمیات ملموس تشکیل شده است - معرفی می‌کند، به طوری که تمامی جنبه‌های کیفی طبیعت

جدول ۳. رویکرد توسعه پایدار نسبت به انسان، محیط‌زیست و ارتباط آن دو (Ghalandarian et al., 2016)

Table 3. Sustainable development approach towards humans, the environment and their relationship (Ghalandarian et al., 2016)

ویژگی Trait	موضوع Subject
انسان محوری و اصالت فرد و عقل‌گرایی انسان نوین وجودی مستقل و دنیوی انسان می‌تواند مستقل از هر عامل دیگر در عالم عمل نماید. انسان از جمیع جهات شناخته شده است. انسان قسمتی از طبیعت است و در نتیجه لذات مادی و دنیوی او اهمیت بسیار دارد. کل طبیعت یک حقیقت خودجوش است. مفهوم مکانیکی از نظام طبیعت غالب می‌شود و طبیعت تنها از جنبه کمیات ملموس (اندازه، وزن) بررسی شده است. تمام جنبه‌ها و ابعاد کیفی طبیعت را نادیده می‌گیرد. نگرش به طبیعت به‌عنوان یک شیء تهی از هرگونه واقعیت معنوی طبیعت تبدیل به آزمایشگاهی برای اثبات نظریه‌های گوناگون می‌شود.	انسان Human محیط‌زیست Environment
برقراری رابطه‌ای فرهنگی بین محیط طبیعی، انسان و برنامه توسعه احساس مشارکت و مسئولیت مردم در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آنها استفاده معقول و منطقی از محیط‌زیست، منابع طبیعی و مواد اولیه برای توسعه اقتصادی عدالت بین نسلی به‌مثابه پایداری - استفاده از محیط‌زیست بدون تضعیف نسل‌های آینده در بهره‌مندی از آن	رابطه میان انسان و محیط‌زیست Relationship between Human and Environment

۲۷ سال که از تشکیل اولین اجلاس توسعه پایدار می‌گذرد، توسعه پایدار از یک مفهوم ایده‌آل به سازه‌ای عملیاتی برای دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌ها و سایر ذی‌نفعان تبدیل شده است (Salehi & Pazokinejad, 2013). همچنین، محققان دانشگاه‌ها، سازمان‌های محیط‌زیست و دولت‌های ملی برای سنجش پیشرفت در توسعه پایدار مقیاس‌ها و شاخص‌های متعددی از جمله «شاخص‌های تولید ناخالص داخلی»، «توسعه انسانی»، «سنجش شادکامی»، «ظرفیت زیستی سیاره» و «شاخص سیاره سالم»، «شاخص ردپای اکولوژیکی» را طراحی نمودند. از زمان اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲، سازمان‌های جامعه مدنی مانند سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌ها، نقش فعالی در آگاه‌سازی از فرایندهای تصمیم‌گیری اجلاس داشتند. طی این مدت، همکاری و شبکه اجتماعی سازمان‌های غیردولتی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه متناسب با اهداف توسعه پایدار رشد کرده است

از اجلاس ۱۹۹۲ زمین در ریو، هنوز بسیاری در بحث و جدل اند که توسعه پایدار در عمل چه معنایی دارد و چگونه می‌توان به آن دست یافت. علاوه بر این که به لحاظ ضرورت ارتباط تنگاتنگ برنامه‌های توسعه پایدار با شرایط خاص هر منطقه، توصیه و تأکیدی که در این زمینه وجود دارد، سردرگمی‌های حاصل شده است و هرکسی از ظن خود توسعه پایدار را تفسیر می‌کند (Zahedi & Najafi, 2005). صاحب‌نظران معتقدند که طی این سال‌ها، پیشرفت بسیار ناچیزی به سمت وضعیت آرمانی توسعه پایدار حاصل شده است. به همین خاطر، تصمیم گرفته شد تا فرایند اجرا و نظارت را تقویت کنند و با نام بردن و شرم‌نده ساختن دولت‌های منفعل، فشار بین‌المللی بیشتری را برای ایجاد تغییرات اعمال کنند (Saten, 2013). بدین ترتیب، توسعه پایدار، پروژه عظیمی است که نیازمند پذیرش مسئولیت از سوی همه دولت‌های ملی است تا نقش خود را ایفا کنند. به همین دلیل

(Salehi & Pazokinejad, 2013).

اطلاعاتی که توسط شاخص‌های فوق‌الذکر منتقل می‌شوند، معمولاً برای ایجاد تغییر در تصمیم‌گیری ملی و نیز رفتار فردی، کافی نبوده‌اند (Varmozyari & Baniasadi, 2014).

در این بخش از پژوهش سه تفکر انتقادی، منطقی و فلسفی مقایسه می‌شوند و سپس مفاهیم پایداری و توسعه پایدار با این سه تفکر بازخوانی می‌شوند. جدول ۴، بازخوانی مفاهیم پایداری و توسعه پایدار با سه تفکر انتقادی، منطقی و فلسفی را نشان می‌دهد.

شواهد حاکی از آن است که توسعه پایدار در مجامع علمی و تصمیم‌گیری جهانی، به‌ویژه در کشورهای غربی، به‌طور گسترده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با وجود اینکه در مفهوم توسعه بازاندیشی شد، ولی کماکان این جوامع، توسعه پایدار را به‌درستی عملیاتی ننموده و با بحران‌های اجتماعی، محیط‌زیستی و حتی اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. زیرا شاخص‌های پایداری، بر توقف جریان تخریب محیط‌زیستی و ناپایداری تأثیر کافی نداشته‌اند. متأسفانه اطلاعات علمی مانند

جدول ۴. بازخوانی مفاهیم پایداری و توسعه پایدار از منظر تفکر سه‌گانه (Abadi & Shahvali, 2016)

Table 4. Reflection of sustainability concepts and sustainable development from the point of view of triple thinking (Abadi & Shahvali, 2016)

تفکر فلسفی Philosophical Thinking	تفکر منطقی Logical Thinking	تفکر انتقادی Critical Thinking	نوع معیار The Criteria
تفکر فلسفی به جست‌جوی کلی‌ترین، ضروری‌ترین و فناپذیرترین حقیقت و طرح پرسش و جستجوی پاسخ‌ها برای وجود است. موضوع مورد بحث این سه تفکر به ترتیب "ابعاد مختلف زندگی انسان"، "کسب معرفت" و "حجت و چرایی وجود" می‌باشد.	تفکر منطقی صحیح استدلال کردن و به دنبال آن ایجاد استدلال صحیح را در نظر دارد. تفکر منطقی تصمیم‌گیری فردی و جمعی را ارائه داده	هدف تفکر انتقادی طرح پرسش‌های مربوطه و نقد و بحث راه‌حل‌ها بدون طرح جایگزین می‌باشد. از بعد نتایج تفکر انتقادی تعریف واضح پرسش و تعیین اثرات جانبی، معرفی نظریه‌ها و یکپارچه کردن اطلاعات، پردازش، تشخیص بین حقیقت و عقیده، ایجاد استنباط و نتیجه‌گیری و راه‌حل‌ها را ارائه می‌دهد.	تعریف تفکر
توجه به تمام ابعاد پایداری	ارائه نحوه صحیح تفکر هم در طرح پرسش‌های مربوط به پایداری و هم در طرح پاسخ به آنها	ارائه پرسش‌ها پیرامون دلایل مشکلات نظیر تخریب محیط‌زیست و مسائل ناپایداری	هدف مفاهیم
طرح چرایی تفکر در ابعاد پایداری	ارائه نحوه صحیح تفکر پیرامون ابعاد مختلف پایداری	توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پایداری	موضوع Subject
کل‌نگر	قیاسی	استقرائی	روش‌شناسی methodology
کل‌نگر و نظام‌مند نسبت به پایداری	ذهنی و جزء‌نگر نسبت به پایداری	تجربی (مبتنی بر نظریه و عمل)	ماهیت Nature
شناخت مشکلات ناپایداری با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر آن	تأکید بر فرایند تصمیم‌گیری شامل آگاهی، علاقه‌مندی، ارزشیابی و آزمایش پذیرش یا رد راهکارهای رفع مشکلات	تعریف واضح مشکلات محیط‌زیست، ارائه راه‌حل‌های بالقوه، انتخاب بهترین راه‌حل‌ها	نتایج Results
افقی و عمودی: در سطح فردی و جمعی و توجه توأم به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی	افقی: در سطح فردی و محدود به شرایط اقتصادی و اجتماعی خرد	افقی: در سطح فردی و محدود به شرایط اقتصادی و اجتماعی خرد	عمق ژرف‌اندیشی Thinking

محیط‌زیست و مسائل ناپایداری

❖ نقد و تصمیم‌گیری به‌منظور حل مشکلات ناشی از ناپایداری از ابعاد اجتماعی و اقتصادی خرد

تفکر منطقی

❖ ارائه راه صحیح تفکر هم در طرح پرسش‌های مربوط به پایداری و هم در طرح پاسخ به آنها

❖ پرورش قوه استدلال صحیح در زمینه پایداری از ابعاد اجتماعی و اقتصادی خرد

تفکر فلسفی

❖ پاسخگویی به نیازهای آنی و آتی با در نظر گرفتن رضایت الهی

❖ پرورش نقد و تصمیم‌گیری در زمینه مسائل پایداری با توجه هم‌زمان به مسائل اقتصادی، اجتماعی و معنوی

❖ پذیرش نقش انسان به‌عنوان خلیفه خدا بودن بر زمین

❖ تقویت باورهای اعتقادی و مذهبی

❖ ارزش قائل شدن برای منابع طبیعی و زیستی

❖ با پیروی از دستورات الهی

❖ خدامحوری

❖ توجه به جنبه قدسی طبیعت

❖ وجود پیوند ناگسستنی بین نظام الهی و طبیعت

❖ هماهنگی بین اجزای عالم

❖ معرفت همراه با معنویت

جنبه سلبی

تفکر انتقادی

❖ در اثر دایره تنگ تجربه‌گرایی؛ تعامل با طبیعت و محیط‌زیست، سلطه‌گرایی، نفع‌طلبانه، ابزاری و یک‌جانبه است، در این صورت انسان خود را محق می‌داند تا از طبیعت بهره‌برداری کند بدون اینکه در مقابل آن وظیفه و مسئولیتی احساس نماید.

❖ جدایی پایداری از علوم قدسی و معنوی

تفکر منطقی

❖ ارائه راه صحیح تفکر پیرامون ابعاد پایداری ولی با نگاه مادی و رویکرد ذهنی و جزئ‌نگر نسبت به پایداری

❖ بازخوانی سلبی و ثبوتی رویکردها و شاخص‌های توسعه پایدار با تفکر سه‌گانه

علاوه بر پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه در جهان و برپایی معاهدات بین‌المللی، کنوانسیون‌ها و سمپوزیوم‌ها در زمینه پایداری، بحران‌های خاص محیط‌زیستی، اجتماعی و فرهنگی در نقاط

توسعه پایدار، به دلیل انسان محورانه بودن آن عمدتاً به جنبه‌های مادی و فیزیکی محیط‌زیست پرداخته و می‌پردازد تا جنبه معنوی؛ بنابراین لازم است ارزش‌ها و باورهای دینی در توسعه پایدار ارتقا یابد تا جهت‌گیری آن کمال‌گرایانه باشد (Aminzadeh, 2001 & Mohaghegh Damad, 2001).

بنابراین از دلایل بحران‌های محیط‌زیستی و ناپایداری، توجه به جنبه مادی پایداری و غفلت از بعد معنوی پایداری است که باعث شده است ما با بحران‌های محیط‌زیستی متعددی روبه‌رو شویم. زمانی متفکرانی همچون فرانسیس بیکن که علم را ابزاری در دستان انسان تصور می‌کردند تا با آن انسان به سعادت نائل گردد، سعادت‌ی که مهم‌ترین شاخص آن، حظ کامل از زندگی این دنیا و کام‌جویی حداکثری از حیات است و از طریق پیشرفت‌های شگرف علمی و فناورانه، دنبال فراهم کردن زندگی بهشتی برای انسان در روی زمین بودند، فکر نمی‌کردند که با دست خود به تباه شدن زندگی خود و دیگر موجودات کمک می‌کنند، به این ترتیب، انسان با رفتاری که برای سعادت و رفاه خود انجام داد به سعادت دست نیافته است که انتظار داشت؛ بلکه با تهدیداتی نیز روبه‌رو شده است که تلاش دارد این تهدیدات را نیز با همان رویکرد انسان‌گرایانه، عقل‌گرایانه و علم‌گرایانه بدون آشتی با معنویت حل کند که متأسفانه در این راه توفیق چندانی به دست نیاورده است. در توصیف چنین حالتی است که خداوند متعال در سوره طه، آیه ۱۲۴ می‌فرماید: «و من اعرض عن ذکری فان له معیسه ضنکا و نحشره یوم القیامه اعمی» «و هر کس از کتاب من روی برگرداند وی را روزگاری سخت خواهد بود و در روز قیامت کور محسور می‌شود» (Taherpour et al., 2014)، لذا ضعف عمده مفاهیم پایداری، بی‌توجهی به بعد معنوی و ارزش‌ها و باورهای دینی است که غفلت از آنها در ایجاد بحران‌های محیط‌زیستی نقش تأثیرگذاری داشته است. با توجه به این موضوع و خلأ معنویت و دیدگاه فلسفی، معنوی و دینی و با نظر به اینکه دین اسلام، دین جامعی است، در بررسی مفاهیم پایداری و توسعه پایدار جنبه‌های سلبی و ثبوتی مباحث پایداری با سه تفکر انتقادی، منطقی و فلسفی (یافته‌های تحقیق؛ نگارندگان) عبارت‌اند از:

جنبه ثبوتی

تفکر انتقادی

❖ ارائه پرسش‌هایی پیرامون دلایل مشکلاتی نظیر تخریب

از دلایل اصلی عدم تحقق عملی توسعه پایدار و فقدان اثربخشی چارچوب‌ها و شاخص‌ها، تداوم تسلط مبانی معرفتی و فکری نظام سرمایه‌داری است که عرصه را بر توسعه پایدار تنگ کرده و به آن بیشتر، حالت نمادین داده است. این در حالی است که دستیابی به پایداری در گرو تغییرات اساسی در سبک‌های زندگی، الگوهای مصرف، استفاده از منابع و نظام‌های اقتصادی است. ارزش‌های ضروری برای سوق دادن جامعه به سمت پایداری از قبیل عدالت، انسجام و احترام به محیط‌زیست و محدودیت‌های آن، در تناقض با ارزش‌های ماتریالیستی و خودخواهانه نظام اقتصادی و جامعه مصرف‌کننده است (Dahl, 2012).

به دلیل غلبه نئولیبرالیسم، تهدات جهانی در زمینه توسعه پایدار به خصوص از سوی کشورهای صنعتی محقق نگردید. در ریو، کشورهای صنعتی و پیشرفته، از حمایت از محیط‌زیست سخن گفتند ولی کشورهای در حال توسعه و فقیر، بر مناسبات عادلانه تجارت جهانی تأکید داشتند. این سند ۸۰۰ صفحه‌ای که مسیر کلی را برای اقدام در مورد همه چیز تعیین می‌کند، اگرچه در ابتدا حرکتی پویا و روشن‌گر تلقی می‌شد، ولی رفته‌رفته رو به افول گذارد و به خصوص بخش بزرگی از کمکی که ملل ثروتمند برای کمک به کشورهای فقیر تعهد کرده بودند، در جهت دستیابی به اهداف محیط‌زیستی، پرداخت نشد (Alexander, 1994).

بنابراین هرچند توجه جهانی به معضلات محیط‌زیستی معطوف‌تر شده و توجهات به سوی توسعه پایدار اقتصادی جلب شده است، لکن باید اذعان داشت که نقص مهم تمام کنفرانس‌ها و اجلاس‌های برگزار شده و تمام قراردادهای اعلامیه‌های ارائه شده برای محیط‌زیست و توسعه (حتی اعلامیه ریو) این است که می‌خواهند با همان الگوهای فکری و اقتضای حاکم - به‌ویژه نئولیبرالیسم - که محیط‌زیست را به این روز انداخته‌اند، به مقابله با آلودگی و تخریب محیط‌زیست برخیزند. از این رو، تمامی کنفرانس‌ها، بیانیه‌های پرآوازه‌ای صادر می‌کنند و اسناد باارزشی را به تصویب می‌رسانند که همه آنها دارای محتوای غنی هستند، ولی در اجرا و پیاده کردن آنها هیچ مسئولیت و تکلیفی بر عهده کسی نیست و اغلب مصوبات آنها از کاربرد حقوقی لازم و ابزار اجرایی برخوردار نیستند (Dirbaz & Dadgar, 2005). ناسازگاری مبانی فکری نظام سرمایه‌داری با توسعه پایدار و پایداری است که انسان را می‌تواند به این نتیجه رهنمون سازد که غرب از توسعه پایدار بیشتر به‌عنوان ابزار و پوشش فریبنده برای حفظ جذابیت و

مختلف جهان نشان می‌دهد که روند فعلی پایداری کشاورزی و محیط‌زیستی، در راستای حفظ محیط‌زیست و بقای انسان نبوده است (Lele, 1991). نگاهی به سیر تفکر غرب نشان می‌دهد که تا پیش از قرون وسطی، تفکر غالب آن بود که طبیعت را مسلط بر انسان دانسته و انسان می‌بایست خود را با آن هماهنگ کند، اما پس از رنسانس همراه با شکل‌گیری مدرنیسم، غایت علم و فناوری جدید، به سوی تصرف انسان بر طبیعت و تسخیر طبیعت و نهایتاً سلطه بر انسان‌ها سوق پیدا کرد، اما آنچه در چارچوب حکمی قابل تعریف می‌باشد هم‌افزایی میان انسان و طبیعت است (Fateh Rad, & Naghavi, 2013). بیش از ۳۰۰ سال فرهنگ غربی، اروپایی و آمریکای شمالی به دانش تجربی برای شناخت و درک جهان و طبیعت تأکید داشته‌اند (Huesemann, 2004)؛ زیرا این عقیده رایج بود که با کمک علم و فناوری می‌توان شناخت بیشتر و بهتری از طبیعت به دست آورد. این در حالی بود که محیط‌زیست هر لحظه به سوی زوال و نابودی بیشتر پیش می‌رفت که این ارمغان پیشرفت علم و فناوری است (Bourdeau, 2004).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نگاه صرف فنی و مادی، تاکنون پاسخگوی مسائل پیش روی توسعه و پایداری، نبوده است (Shahvali et al., 2007). زیرا معرفت علمی که محصول فرایند تحقیق علمی است با خصیصه آزمون‌پذیر بودن واقعیات تجربی تعریف می‌شود؛ که در حال، پاسخگوی پرسش‌هایی نیست که به کالبدشکافی منطقی معرفت بپردازند (Iman, 2009). شکست علوم و فناوری‌های نوین در زمینه تحقق پایداری بعد از سال‌ها فعالیت‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که دستیابی به افق‌های بلندمدت پایداری و ابعاد آن، نیازمند چشم‌اندازی وسیع و فراتر از مسائل فنی محض است. چشم‌اندازی معرفتی و فلسفی که Iman (2009) آن را فراتر از به‌کارگیری الگوها و نظریه‌ها می‌داند، بنابراین اهمیت دادن به مسائل فنی و علمی صرف نمی‌تواند چاره‌ساز مسئله پایداری محیط‌زیستی و کشاورزی باشد و ایجاد راه‌حل مناسب برای پایداری، نیازمند مباحث غیرفنی، اخلاقی، فلسفی، ارزشی و فرهنگی است. باید دانست که فرضیه «علم درمانگر همه دردها است» از نظر اسلام منسوخ است. یعنی علم قاصر است و دانشمندان به اینجا که می‌رسند علم بی‌طرف است، علم برای انسان ارزش وسیله‌ای دارد، علم به انسان جهت نمی‌دهد، بلکه انسان به دلیل جهتی که برای زندگی انتخاب کرده است از نیروی علم استفاده می‌کند (Motahari, 1998).

املی و متفکران خارجی از جمله فضلون خلید، جوان اوبرین و ماویل عزودین مورد توجه قرار گرفته است. این متفکران، علت‌های بحران محیط‌زیستی و ناپایداری را بحران‌های ذهنی و معنوی انسان، حاکم شدن فرهنگ صنعتی بر فرهنگ سنتی، حاکم شدن مبانی فلسفی مدرن، گسترش ارزش‌های مادگرایی، توجه نکردن به ارزش‌های روحانی و اهداف معنوی، سلطه بر طبیعت، جدایی علم از امور قدسی، بی‌ایمانی، منفعت‌طلبی، اسراف و اتراف می‌دانند (Nasr, 2001 & Javadi Amoli, 2008). به این ترتیب برای حل بحران محیط‌زیست بر وابسته بودن طبیعت به وجود خداوند، وجود نظم در آن، هماهنگی درونی و همدلی بین انسان و جهان و اینکه کل حقیقت عالم، متشکل از تجلیات نام‌ها و صفات مختلف الهی است (Nasr, 1998) و بر جنبه قدسی طبیعت، شکوه و مجد الهی آن، تجدید حیات معنوی انسان و توجه به آخرت، لحاظ کردن انسان به عنوان خلیفه خدا روی زمین، حفظ تابلوی زیبای آفرینش، وجود پیوند ناگسستنی بین نظام الهی و طبیعت و هماهنگی بین اجزای عالم تأکید می‌کنند (Nasr, 2007). توسعه پایدار، به دلیل انسان محورانه بودن آن عمدتاً به جنبه‌های مادی و فیزیکی محیط‌زیست می‌پردازد تا جنبه معنوی، بنابراین لازم است ارزش‌ها و باورهای دینی در توسعه پایدار ارتقا یابد تا جهت‌گیری کمال‌گرایانه داشته باشد (Mohaghegh Damad, 2001). لذا جایگاه محیط‌زیست از نظر منابع اسلامی در جدول ۵ به صورت خلاصه بیان شده است.

هژمونی خود استفاده کرده ولی حقیقتاً نسبت به آن پایبند نیست. بنابراین با وجود پیشرفت‌های علمی در تعریف مفهوم پایداری و توسعه پایدار، ولی در کشورهای غربی، کماکان رشد اقتصادی از جایگاه محوری و اصلی در تبیین توسعه برخوردار است (Varmozary & Baniasadi, 2014).

پدید آمدن مشکلات محیط‌زیستی، محصول رویکرد انسان به جهان هستی است؛ زیرا وقتی انسان به هستی و جهان ماتریالیستی بنگرد و همه چیز را به امور مادی منحصر کند و آن را در دایره تنگ تجربه‌گرایی محدود بداند، تعامل با طبیعت و محیط‌زیست، سلطه‌گرایی، نفع‌طلبانه، ایزاری و یک‌جانبه خواهد بود، در این صورت انسان خود را محق می‌داند تا از طبیعت بهره‌برداری و استفاده کند بدون اینکه در مقابل آن وظیفه و مسئولیتی احساس نماید. مطهری (۱۹۹۸) در این باره چنین نگاه داشته است: «مادی، واقعیت و وجود را در انحصار آنچه مادی است، می‌داند و واقعیتی ورای ماده را قائل نیست، اما فرد الهی واقعیت و وجود را در انحصار این امور نمی‌داند، امور مادی را بخشی از واقعیت می‌شمارد نه تمام واقعیت. فرد الهی برخلاف مادی‌گراها به واقعیات غیرمادی و نامحسوس و مجرد از زمان و مکان و حرکت به واقعیت ثابت و جاودانه، ایمان دارد، پس مکتب مادی مکتب انحصار است و مکتب الهی ضد انحصار».

رویکرد اسلامی به پایداری و توسعه پایدار در نظر متفکرانی همچون اخوان الصفا، ابوریحان بیرونی، ابن‌سینا، محی‌الدین عربی، طباطبایی، مطهری، حسین نصر، جوادی

جدول ۵. محیط‌زیست و جایگاه آن از نظر منابع اسلامی (Khosravi, 2013 & Javadi Amoli, 2008)

Table 5. Environment and its place in terms of Islamic resources (Khosravi, 2013 & Javadi Amoli, 2008)

ویژگی Trait	زیرعنوان Subtitle	عنوان Title
طبیعت قلمرویی است از واقعیت که برای هدف و غایت خاصی خلق شده است. همه پدیده‌ها دارای معنی است و حکمت خالق آن همه‌جا هویداست. غایت طبیعت به تحقق رساندن نظام احسن است.	ابوعلی سینا Abu Ali Sina	
جهان حادث است و عالم از عدم به وجود آمده است. چون فکر بشری هیچ‌گاه جانشین حکمت الهی نمی‌گردد؛ بنابراین درک نظام طبیعت با معیار فکر بشری میسر نیست. انسان با اراده الهی می‌تواند به هماهنگی طبیعت پی ببرد.	ابوریحان بیرونی Aboureihan Biruni	فلسفه اسلامی Islamic philosophy
عالم عظیم و با هدف معین است. حقیقت واحد دارد و اجزای آن به هم پیوسته‌اند. از لحاظ وجود و بقا، محتاج و تابع مبدأ عالم است. همچنان که روح انسان بر بدن او تسلط دارد؛ عالم جسمانی و طبیعی نیز تحت اراده عالم علوی است.	اخوان الصفا Ikhwan safa	

طبیعت همواره میل به تعالی و کمال و میل به باری تعالی دارد. بر این اساس در ذات عالم عشق به کمال نهفته است. ملاصدرا در مواجهه با طبیعت انسان را مسئول در برابر طبیعت و محیط‌زیست می‌داند و آن هم مسئولیتی دینی. اصلاً در مواجهه با طبیعت میل و منفعت جایگاهی ندارد. جهان و انسان موجوداتی غایتمند هستند و آسیب به هر جزئی از طبیعت آسیب به کل جهان محسوب می‌شود.	ملاصدرا Mulla Sadra	
اگر کسی بخواهد در ملک دیگران تصرف کند؛ باید از مالک اجازه بگیرد؛ بنابراین هر نوع تصرف انسان در نفس خودش باید با رضایت مالک باشد. این مطلب در دیگر موجودات نیز صادق است. انسان برای ارتباط با آنان به اذن الهی محتاج است. رابطه انسان با طبیعت نیز از این قاعده مستثنا نبوده و برای بهره‌مندی انسان از طبیعت اجازه خداوند لازم است.	امانت و ظلم Trust and cruelty	
حقوق و تکالیف به هم آمیخته است. هر چند اصالت با حق است و تکلیف، تبعی است. اگر تکالیفی نباشد؛ همه حقوق ضایع و پایمال می‌شود. برای حفظ حقوق باید تکالیف را ارج نهاد. انسان حق بهره‌برداری از طبیعت را داشته و در مقابل تکالیفی نیز بر عهده دارد. ضایع نمودن و تخریب محیط‌زیست تجاوز محسوب شده و هر آنکه با فساد و تباهی و. تجاوز از حدود خود پیمان الهی را بشکند؛ از رحمت الهی به دور خواهد ماند.	حق و تکلیف The right and the duty	آیات و روایات Verses and hadiths
توجه به بهداشت و آلوده نکردن محیط‌زیست به‌عنوان یکی از حقوق مسلم فردی و اجتماعی زندگی بدون احراز سه عامل حیاتی، گوارا نیست: هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصلخیز و قابل کشت و زرع	توجه به نمودهای طبیعت Pay attention to the symbols of nature	
اگر نشایی در دست یکی از شماست و قیامت در آستانه قیام است و مرگ شما قطعی است؛ اگر کمترین مهلت برای غرس نهال و کاشتن آن در اختیار دارید؛ از آن فرصت کوتاه کمک بگیرید و آن را کشت کنید. هر کس درخت محتاج به آبیاری را سیراب نماید؛ گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب نموده است.		

جدول ۶. مقایسه ویژگی‌های دو انگاره متفاوت در توسعه (Emadi, 2006)

Table 6. Comparison of features of two different notions in development (Emadi, 2006)

ویژگی‌های مورد مقایسه Characteristics	انگاره سنتی و قدیمی The traditional and old concept	انگاره جدید و در حال پیدایش The new and emerging concept
تعریف رشد Defining the Growth	حصول رشد اقتصادی به هر قیمت	رشد کیفی توجه به محیط‌زیست و عدالت اجتماعی
نهاد مسئول توسعه The institution responsible in development	توسعه توسط دولت‌ها برای مردم	توسعه توسط مردم و برای مردم
نحوه سازمان‌دهی توسعه How to organize the development	سازمان‌دهی توسعه توسط سازمان‌های بزرگ و متمرکز	سازمان‌دهی توسعه توسط تشکل‌های مردمی و محلی با تأکید بر تواناسازی مردم
سرمایه‌گذاری در امر فناوری Investing in advanced technology	انتقال فناوری پیشرفته و از کشورهای غنی	ایجاد فناوری مناسب و محلی

گروهی مسائل را از جنبه‌های علمی تولید بحث می‌نمایند، درحالی‌که سایرین آن را بر اساس مبانی فلسفی و ارزشی بحث می‌کنند که بر اساس پژوهش‌های تجربی قابل پاسخگویی و حل نیستند (Karami & Hayati, 1998).

در یک مرور کلی، وقتی روند تحولات توسعه‌ای بررسی می‌شود، روند تحولات از یک مبدأ به سمت یک مقصد در حال گذار بوده و لاجرم شاخص‌های متفاوت در بین انگاره‌های سنتی توسعه با پارادایم‌های در حال پیدایش آن مشاهده می‌شود. در این خصوص همان‌گونه که در جدول (۶) به‌وضوح مشخص شده است، هدف اصلی انگاره‌های سنتی و قدیمی در

با رشد جنبش‌های محیط‌زیستی، بررسی و مقایسه عناصر بینش‌های غالب توسعه با دیدگاه نوین محیطی نیز شکل گرفت. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که هواداران محیط‌زیست به‌شدت پایبند به ارزش‌های این دیدگاه نوین محیطی هستند، درحالی‌که صنعت‌گرایان به‌شدت مقید به بینش‌های غالب توسعه می‌باشند، به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد صنعت‌گرایان و محیط‌زیست‌گرایان در دو دنیای مختلف زندگی می‌کنند. آنچه از یک دیدگاه، بخردانه و مستدل به نظر می‌رسد از دیدگاه دیگر نابخردانه است. تضادهای موجود در کشاورزی در سطح مباحث دیدگاه اجتماعی و علمی می‌باشد.

بوده که تا به حال نتوانسته است تضمینی بر حفظ منابع طبیعی ارائه دهد. به بیان دیگر، مشکل اصلی در معرفت‌شناسی و جهان‌بینی آدمی است. از این رو، دیدگاه جدید در پایداری باید علاوه بر عوامل فنی، متوجه انسان باشد که خواه‌ناخواه، وجهی فلسفی و دینی را نیز در برمی‌گیرد. در واقع برای رفع بحران‌های محیط‌زیست، از دیدگاه‌های فلسفی، دینی و به‌ویژه اخلاقی، کمتر سخن به میان می‌آید. در حالی که بدون آموزش صحیح مباحث معنوی و اعتقادی، در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آنها، هر چه از تباه شدن محیط‌زیست و ضرورت حفظ آن گفته شود، راه به جایی نخواهیم برد (Shahvali et al., 2007). در اینجا برخی تفاوت‌های اساسی پارادایم‌های رشد و پایداری از نظر لیبرالیستی و معنوی مطرح می‌شود که خود گویای جنبه سلبی و ثبوتی آنهاست (جدول ۷).

بحث توسعه حصول رشد اقتصادی به هر قیمتی است و در مقابل در انگاره‌های جدید، هدف رشد کیفی با توجه به محیط‌زیست و عدالت اجتماعی می‌باشد (Emadi, 2006)؛ چراکه با نگرش جدید، محور توسعه، «انسان» و مکان زیست او است و نه رشد اقتصادی با شاخص‌های کمی اقتصادی. بررسی سیر تحولات پایداری کشاورزی و محیط‌زیستی در جهان، نشان می‌دهد، نگاه صرف علمی و فنی به پایداری، انسان را بر طبیعت مسلط کرد و علم، جنبه آسمانی خود را از دست داد و به جنبه زمینی و مادی پرداخت؛ یعنی مسیر علم عوض شده و برای قدرت و در خدمت قدرت (Motahari, 1998). و هر چه تاکنون با نام پایداری محیط‌زیست انجام گرفت با مدنظر قرار دادن عمل‌گرایی که صرفاً بر حفظ منابع از طریق برگزاری نشست‌ها، صدور اعلامیه‌ها، انجام فعالیت‌ها، تدوین قوانین، اعمال سیاست‌ها و توصیه‌های فنی تأکید دارد.

جدول ۷. برخی تفاوت‌های اساسی پایداری از منظر پارادایم‌های رشد، لیبرالیستی و معنوی (Taherpour et al., 2014 & Zahedi & Najafi, 2005)

Table 7. Some fundamental differences in sustainability from the perspective of growth paradigms, liberal and spiritual (Taherpour et al., 2014 & Zahedi & Najafi, 2005)

پارادایم پایداری معنوی (تفکر فلسفی) spiritual sustainability paradigm (Philosophical thinking)	پارادایم پایداری لیبرالیستی (تفکر منطقی) Liberal Persistence Paradigm (Logical thinking)	پارادایم رشد (تفکر انتقادی) The growth paradigm (Critical Thinking)	تفاوت‌های اساسی The fundamental differences
تلاش برای توسعه همه‌جانبه در همه ابعاد مادی و معنوی	تلاش برای توسعه همه‌جانبه در همه ابعاد	حصول رشد اقتصادی به هر قیمت	رویکرد به رشد An Approach to the Growth
فناوری متناسب با بوم فنی و معرفتی	فناوری متناسب و محلی، استفاده از دانش بومی و توسعه فناوری مشارکتی	انتقال فناوری پیشرفته از کشورهای غنی به کشورهای ضعیف	رویکرد به فناوری Approach to technology
توسعه پدیده‌ای چندبعدی است که علاوه بر جنبه مادی بعد معنوی آن خداوند تعریف‌کننده آن است.	توسعه پدیده‌ای چندبعدی است که مردم تعریف‌کننده آن می‌باشند.	توسعه، پدیده‌ای اقتصادی است و دولت تعریف‌کننده آن می‌باشد.	رویکرد نهادی The institutional approach
اندیشه محوری فرایند توسعه: خدامحوری	اندیشه محوری فرایند توسعه: ارزیابی	اندیشه محوری فرایند توسعه: برنامه‌ریزی	اندیشه محوری فرایند توسعه Thought Thinking Development Process
هدف سعادت، کمال و خیر در دنیا و آخرت است.	هدف، پیشرفت پایدار است.	هدف، حداکثر سازی سود و کارایی اقتصادی است.	هدف توسعه The purpose of development
پایه فلسفی اصلی مسئولیت انسان در برابر خداوند است.	پایه فلسفی اصلی مسئولیت جمعی است.	پایه فلسفی اصلی فردگرایی است.	پایه فلسفی توسعه The philosophical foundation of development
شعار اصلی توجه توأمان به ارزش‌های ابزار و معنوی طبیعت است.	شعار اصلی خیر جمعی جامعه است.	شعار اصلی، توسعه اقتصادی و بالا بردن رفاه است.	شعار اصلی توسعه The main slogan of development

نحوه سرمایه‌گذاری How to invest	سرمایه‌گذاری در فناوری پیشرفته و بزرگ‌مقیاس است.	سرمایه‌گذاری در جهت تنوع فعالیت‌ها است.	سرمایه‌گذاری در تقویت رفتارهای سازگار با طبیعت است که در این حالت برکات آسمان به زمین سرازیر خواهد شد (سوره اعراف، آیه ۹۶)
موارد بهره‌گیری از تکنولوژی The utilization of technology	انتخاب تکنولوژی در راستای افزایش کارایی صورت می‌گیرد.	انتخاب تکنولوژی با توجه به پایداری بوم‌شناختی صورت می‌گیرد.	انتخاب تکنولوژی با توجه به بوم فنی و معرفتی صورت می‌گیرد.
فرایند کار The process of work	فرایند کار، مکانیکی است.	فرایند کار، بیولوژیکی است.	فرایند کار، همراهی فن و معرفت است.
نوع ارتباط بین علت و معلول و اجزا type of relationship between cause and effect and the components	رابطه علت و معلولی یک‌طرفه وجود دارد.	رابطه علت و معلولی در اغلب موارد قابل تعریف نیست، هر چیزی به چیز دیگر مربوط است. اگر رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد، چرخه‌ای است.	رابطه‌ای فرارشته‌ای برای درک معرفت از حقیقت است.
رویکرد به منابع طبیعی The approach to natural resources	منابع طبیعی عامل تولید تلقی می‌شوند.	منابع طبیعی بستر حیات و توسعه است.	منابع طبیعی مقدس و کلمه‌الله تلقی می‌شوند. طبیعت و هر جزء از جهان آفرینش آیه و نشانه حق است و غیب را نشان می‌دهد و نهان را آشکار می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش جایگاه معنویت در چالش‌های محیط‌زیستی با بازخوانی رویکردهای توسعه پایدار در سه گذرگاه تفکر منطقی، انتقادی و فلسفی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که پدید آمدن مشکلات محیط‌زیستی، محصول رویکرد انسان به جهان هستی است، زیرا وقتی انسان به هستی و جهان ماتریالیستی بنگرد و همه چیز را به امور مادی منحصر کند و آن را در دایره تنگ تجربه‌گرایی محدود بداند، تعامل با طبیعت و محیط‌زیست، سلطه‌گرایانه، نفع‌طلبانه، ابزاری و یک‌جانبه خواهد بود، در این صورت انسان خود را محق می‌داند تا از طبیعت بهره‌برداری و استفاده کند بدون اینکه در مقابل آن وظیفه و مسئولیتی احساس نماید. یافته‌های به‌دست‌آمده با یافته‌های حاصل از پژوهش شاه ولی و همکاران (۲۰۰۷)، محقق داماد (۱۹۹۴) و شاه ولی و کاظمی (۱۹۹۹) همسو است که نشان دادند ریشه‌های ناپایداری را باید در نگاه و تفسیر انسان‌ها به طبیعت و محیط‌زیست جستجو کرد. زیرا مشکل اصلی وی در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اوست. نگاه ژرف به ماهیت این پارادایم‌ها نشان می‌دهد که هر یک به‌نوعی محیط را یک امر خارجی - غیرانسانی و مقهور انسان می‌دانند که باید صرفاً آن را تسخیر کرد. لذا حل بحران‌های محیط‌زیستی، همراهی و همگامی علم با فطرت آدمی و تدبیر ماورایی را می‌طلبد. چراکه عقل توانایی لازم، برای درک تمامی

بحران‌های محیط‌زیست را ندارد. از این‌رو، دیدگاه‌های جدید به پایداری علاوه بر عوامل فنی، باید متوجه انسان باشد که خواه‌ناخواه، وجهی فلسفی، معنوی و دینی دارد. یافته‌های حاصل از بررسی و تحلیل سه تفکر منطقی، انتقادی و فلسفی در تبیین پایداری و توسعه پایدار نشان داد نگاه صرف علمی و فنی در چارچوب دو تفکر منطقی و انتقادی به پایداری، انسان را بر طبیعت مسلط کرده است و علم، جنبه آسمانی خود را از دست داده و به جنبه زمینی و مادی پرداخته، یعنی مسیر علم عوض شده و برای قدرت و در خدمت قدرت قرار گرفته است. درحالی‌که در تفکر فلسفی مبتنی بر معنویت می‌توان فرصت مناسبی را برای دستیابی به پایداری محیط-زیست فراهم ساخت. زیرا سیر هم‌زمان به درون و برون مسائل و انسان برای دستیابی به راهکارهای پایدار، تلفیق متناسب عقلانیت و معرفت عرفانی - اخلاقی، قرآنی و شریعت برای حصول به راه‌حل‌های مؤثر به‌منظور یکپارچه‌سازی نظرگاه‌های پراکنده عالمان، عارفان و حکما و بررسی عمیق و همه‌جانبه بحران‌های محیط‌زیستی ویژگی‌هایی است، که تفکر فلسفی مبتنی بر پارادایم پایداری معنوی از آنها برخوردار است. میرباقری و معلمی (۲۰۰۹) و بیدهندی و شیرواند (۲۰۱۲) نیز در تحقیق خود یافته مشابهی را نشان داده‌اند که جهت دستیابی به پایداری، رویکرد فرهنگی و جامع‌نگر مبتنی بر دین مبین اسلام در چارچوب تفکر فلسفی با تمسک به دستمایه غنی

ناشی از مبانی فلسفی این نظام بوده درحالی‌که فلسفه اسلامی و رویکرد معنوی آن بر مبانی استوار است که زمینه پیامدهای منفی توسعه‌یافتگی را رفع و رفاه عمومی افراد نسل‌های حال و آتی را تأمین خواهد کرد. تخریب محیط‌زیست انعکاسی از فراموش کردن خداوند و به تبع آن، فراموش کردن نفس واقعی خویش است که موجب می‌شود تا انسان با پیروی از خصلت‌های حیوانی خویش و بدون در نظر گرفتن جایگاه خود در هستی، به سمتی سوق پیدا کند که با خودمحوری، به دنبال ارضای خواسته‌های خویش حتی به بهای تخریب محیط‌زیست برآید لذا بازگشت به خویشتن خویش در سایه تفکر فلسفی، خودشناسی و تعامل با محیط‌زیست، می‌تواند ریشه بسیاری از ناپایداری‌ها را در پرتو فلسفه اسلامی و الهی بخشکاند. لذا برای رفع بحران ناپایداری محیط‌زیستی تفکر فلسفی در چارچوب پارادایم معنوی اسلامی پیشنهاد می‌شود که می‌تواند فرصت مناسبی را برای دستیابی به پایداری محیط‌زیست فراهم نماید.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر جهت دستیابی به توسعه پایدار در سایه معنویت و تفکر فلسفی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- لحاظ کردن تفکر فلسفی و آینده‌نگری در برنامه‌های توسعه کشور به‌طور اعم و در برنامه‌های آموزشی به‌طور اخص
- شناخت مبانی اسلامی و لحاظ آن در نظریه‌پردازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تجویزهای عملیاتی جهت دستیابی به پایداری و پایداری محیط‌زیستی کشور
- ایجاد مراکز تحقیق و توسعه بر اساس اندیشه دینی به‌منظور ابداع شیوه‌های حفظ محیط‌زیست و دستیابی به پایداری
- فرهنگ‌سازی و اشاعه مبانی ارزشی و فلسفه اسلامی در سطح فرد، جامعه و صنعت با هدف توسعه پایدار حقیقی و برجیدن بحران تخریب محیط‌زیست
- آموزش و افزایش سطح دانش و سواد پایداری متعالی در تربیت نیروی انسانی متخصص
- همکاری اساتید دانشگاه و حوزه در تهیه و تدوین مطالب و منابع درسی مبتنی بر مباحث پایداری الهی در دانشگاه
- ارائه طرح‌هایی جهت تربیت شهروند محیط‌زیستی با رویکرد اسلامی معنویت‌گرا
- ترویج ارزش‌های اخلاقی - دینی محیط‌زیستی و احترام به طبیعت

وحی و آموزه‌های دینی الگوی اسلامی توسعه پایدار را به ارمغان می‌آورد، لذا ضعف عمده مفاهیم پایداری، عدم توجه به بعد معنوی، ارزش‌ها و باورهای دینی است که غفلت از آنها در ایجاد بحران‌های محیط‌زیستی نقش تأثیرگذاری داشته است. بنابراین دستیابی به پایداری تنها در سایه تفکر منطقی و انتقادی به مباحث پایداری و چالش‌های محیط‌زیستی امکان‌پذیر نیست؛ درواقع از مصائب بشر امروز نگرشی است که اندیشمندان قصد دارند نسبت به رفع مشکل پایداری محیط‌زیست با نگرشی تک‌ساخته نسخه تجویز کنند، درحالی‌که انسان حتی از پردازش صحیح کنش و واکنش‌های موجودات اطراف خویش عاجز است و علت‌العلل همه مشکلات و بحران‌های ناپایداری را باید در عدم شناخت صحیح انسان از رابطه بین موجودات دانست.

همان‌طور که Dahl (2012) و طاهرپور و همکاران (۲۰۱۴) اذعان داشته‌اند از دلایل اصلی عدم تحقق عملی توسعه پایدار و فقدان اثربخشی چارچوب‌ها و شاخص‌ها، تداوم تسلط مبانی معرفتی و فکری نظام سرمایه‌داری در سایه تفکر منطقی و انتقادی است که عرصه را بر توسعه پایدار تنگ کرده و به آن بیشتر، حالت نمادین داده است. توجه به جنبه مادی پایداری و غفلت از بعد معنوی آن باعث شده است جهان با بحران‌های محیط‌زیستی متعددی روبه‌رو شود. پیشرفت‌های شگرف علمی و فناوری، خود باعث تباہ شدن زندگی انسان و دیگر موجودات شد، به‌این ترتیب، انسان با رفتاری که برای سعادت و رفاه خود انجام داد به سعادت مورد انتظار خود دست نیافت؛ بلکه با تهدیداتی نیز روبه‌رو شد که تلاش دارد این تهدیدات را نیز با همان رویکرد انسان‌گرایانه، عقل‌گرایانه و علم‌گرایانه بدون آشتی با معنویت حل کند که متأسفانه در این راه توفیق چندانی به دست نیاورد این در حالی است که دستیابی به پایداری درگرو تغییرات اساسی در سبک زندگی، الگوهای مصرف، استفاده از منابع و نظام‌های اقتصادی است که در سایه فلسفیدن و تفکر فلسفی با تأکید بر جهان‌بینی و فلسفه اسلامی امکان‌پذیر است. ارزش‌های ضروری برای سوق دادن جامعه به سمت پایداری از قبیل عدالت، انسجام و احترام به محیط‌زیست و محدودیت‌های آن در تفکر فلسفی اسلامی، در تناقض با ارزش‌های ماتریالیستی و خودخواهانه نظام اقتصادی و جامعه مصرف‌کننده است.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری در رفع مشکل محیط‌زیستی،

References

- Abadi, B. (2016), "Cognition and Thinking of Sustainable Agricultural Extension and Rural Development". *Maragheh University: Maragheh*. 1th ed. [In Persian]
- Alexander, C. (1994). "Earth's environmental situation two years after the Rio Conference". Translation by Mohammad Reza Salehpour. *Magazine Water and Development, Second Year, 75*, 39-42. [In Persian]
- Aminzadeh, B. (2001). "Sustainability of development and religious culture". *Proceedings of the International Conference on Environment, Religion and Culture*. Tehran, 165-179. [In Persian]
- Barrett, C. B. (1996). "Fairness, Stewardship and Sustainable Development". *Ecological Economics*, 19, 11- 17.
- Bidhendi, M., and Shiravand, M. (2014). "An analysis of environmental ethics (based on the epistemic paradigm of Asfar Arbia Mulla Sadra)". *Biological Ethics Quarterly*, 4 (13), 7-23. [In Persian]
- Bourdeau, P. (2004). "The man- nature relationship and environment ethics". *Environmental radioactivity*, 72, 9-15.
- Dahl, A.L. (2012). "Achievement and gaps in indicators for sustainability". *Acological indicators*, 17, 14-19.
- Dehshiri, M.R. (2015). "Globalization and Sustainable Development". *Journal of Iranian Social Development Studies*, 7(4),45-66. [In Persian]
- Dirbaz, A., Dadgar, H. (2007). "Islam and Sustainable Development". *Tehran: canoon Andishehe Javan*.
- Emadi, MD (2006). "Revision of the Eco-Designs and Strategies: Challenges and Options". *Journal of Environment*, 41,9-14. [In Persian].
- Escobar, A. (1995). "Encountering development: the making and unmaking of the third world". *Princeton, NJ: Princeton University.press*.
- Farahani Fard, S. (2010). "The Theological Fundamentals of Sustainable Development". *Philosophy of Religion*, 7 (5): 41- 61. [In Persian]
- Fateh Rad, M., and Naghavi, M.H. (2013). "University of Hekmat Baniyan and the heart of the Islamic Model of Iran Progress". *Proceedings of the 2nd Islamic Patterns Conference of Iran Progress: Foundations, Concepts and Pillars of Progress*. 431-439. [In Persian]
- Firouzi, M.A., and Sajjadian, M. (2016). "A deductive view of the macro-Western and Islamic attitudes in the field of human-environmental relations in order to benefit from the development of the Islamic model of Iran". *The 5th Islamic Pattern of Iranian Progress: The Basic Model of Progress. Tehran, May 29th and 30th*. 1-16. [In Persian]
- Ghalandarian, I., Taghvaei, A.A., & Kamyar, M. (2016). "Comparative Study of the Relationship between Human and the Environment in Sustainable Development Thought and Islamic Thought". *Journal of Reasearch in Islamic Architecture*, 4(10), 62-78. [In Persian]
- Huesemann, M.H. (2004). "Can pollution problems be effectively solved by environmental science and technology? An analysis of critical limitation". *Ecological enonomices*, 37, 271-287.
- Iman, M. (2009). "Paradigm Fundamentals of quantitative and qualitative methods of research in humanities". *Qom: Institute of Hozeh and University*. 90- 91. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2007). "Islam and Environment". *Qom: Esra*. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2008). "Human Interpretation". *Qom: Esra*. [In Persian].
- Karami, E., and Hayati, D. (1998). "Sustainable Agriculture Compared to Conventional Agriculture: Measuring Stages". *Journal of Agricultural Science and Natural Resources*, 2 (1): 1-17. [In Persian]
- Khosravi, M.B., and Bemanian, M.R., and

- Sifian, M. K. (2013). "The Role of the La'Zarar in the Formation of Islamic Architecture Pattern". *Naqshejahan*, 3 (1):19-30. [In Persian].
- Lele, s. (1991). "Sustainable development: A critical review". *World Development*, 19(6), 607-621.
- Loomis, T.M. (2000). "Indigenous Population and Sustainable Development: Building on indigenous approaches to holistic, self determined development". *world development*, 28(5), 893-910.
- Mirbagari, S. M.M. & Moallemi, A. (2009). "Responding to questions by the honorable president of the elite of Qom province and district: Fajr province". [In Persian].
- Mohaghegh Damad, M. (1994). "Nature and the environment from the perspective of Islam". *Letter of Culture*, 4 (1), 78-89. [In Persian].
- Mohaghegh Damad, M. (2001). "The Necessity of Promoting Religious and Cultural Values in Sustainable Development". *Proceedings of the International Conference on the Environment, Religion and Culture*. Tehran. [In Persian].
- Motahari Nejad, M., Homayoun, M.H., and Hatami, M.R. (2015). "An Introduction to Genealogy Barriers to Islamicization of Universities in Iran, with an emphasis on policing and planning". *Quarterly epistemology studies at Islamic University*, 3 (19): 293-316. [In Persian].
- Motahari, M. (1989). "perfect human". *Qom: Sadra Publishing House*. [In Persian]
- Movahedi, M. (2004). "Determining the features of national-Islamic culture". *the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, the Cultural Commission*. [In Persian]
- Nagizadeh, M. (2003). "The Role of Environmental Education in Explaining Sustainable Development". *Proceedings of the First National Conference on Environmental Education, Tehran: Environmental Organization Publications*. [In Persian]
- Nasr, S.H. (1998). "Conceptions of Nature in Islamic Thought". *Tehran: Sohrevardi*. [In Persian].
- Nasr, S.H. (2010). "Religion and the Order of Nature". Translate by Mohammad Hassan Faghfoori. *Tehran: Hekmat*. [In Persian].
- Norgaard, R. (1994). "Development betrayed: the end of progress and a coevolutionary revisioning of the future". London: Routledge.
- Paya, A. (2009). "Is Iranian-Islamic Development Pattern Achievable?". *Quarterly Journal of Humanities Methodology*, 15 (6), 1-16. [In Persian].
- Perman, R. (2003). "Environment Economics and Natural Resources". Translation by Hamid Reza Arbab, First Edition, *Tehran: Publishing Ney*. [In Persian].
- Pourghasem, F., Alibaygi, A.H., & Papzan, A. (2016). "Comparative Comparison of extension philosophical principles with environmental theories: A Strategy for management of rural environment". *Journal of Environmental Education & Sustainable Development*, 6(1), 41-54. [In Persian].
- Salehi, P., and Pazokinejad, Z. (2014). "Sustainable and Sustainable Higher Education". *Iranian Higher Education Association*, 2 (6): 83-112. [In Persian]
- Satin, F. (2013). "An Introduction to the Sociology of the Environment". Translation by Sadegh Salehi, *Tehran: SAMT*.pp: 230-231. [In Persian]
- Shahvali, M. & Shahmorad, L. (2012). "Explaining the Transitional Approach to Iran's Environmental Education 1404". *The First National Education Conference in Iran 1404*.1-15. [In Persian]
- Shahvali, M. (1996). "Is sustainable agriculture rooted in technical advice or religion and philosophy? ". *In the Proceedings of the First Seminar on Agricultural Economics of Iran*. [In Persian].

- Shahvali, M. (2013). "Explaining the paradigm of the transcendental system of innovation for realizing sustainability". *The 2nd Islamic Model of Islamic Development Conference: Fundamentals, Concepts and Frameworks for Progress*. 1-21. [In Persian]
- Shahvali, M., & Foruzani, M. (2009). "Continuous learning in agriculture. Shiraz University Press". *The Publication Series* 393. [In Persian].
- Shahvali, M., & Kazemi, M. (1999). "Theories of Soil Conservation and its Approach in the 21st Century". *Rural and Development Journal*, 3 (2): 65-85. [In Persian]
- Shahvali, M., Keshavarz, M. & Sharifzadeh, M. (2007). "Transcendental Philosophical Moral Paradigm in Environmental Crisis Research". *Journal of Ethics in Science and Technology*, 2 (3/4): 31-44. [In Persian]
- Taherpour, M.Sh., Javidi, T., Bagheri, Kh., & Naghizadeh, H. (2016). "The Basics of Principles and Methods of Education of Environmental Citizens from the Point of View of Islam". *Quarterly Journal of Research on Islamic Education Issues*, 24 (30): 55-87. [In Persian]
- Temple, s. (1992). "What is sustsinable development? ". *Enominee development institute*.
<http://www.menominee.com/sdi/articles/w hatis. htm>.
- Varmozyari, H., Bani asadi, M. (2014). "The concepts of Growth and Sustainability with the Islamic approach". *Third Conference of model of Islamic and Iranian development*. [In Persian]
- Young, E. (1995). "Third world in the RST: development and indigenus people". London: Routledge.
- Zahedi, Sh., & Najafi, GH. A. (2005). "Sustainable Development". *Modarres Human Sciences*, 10 (4), 43-76. Retrieved from www.sid.ir. [In Persian].